

آیا اهدای اعضای بدن بعد از وفات سبب بی حرمتی به میت میگردد؟

درین جای شک نیست که در گذشته، تا زمانیکه علم طبابت همراه با تکنالوژی جدید، چندان پیشرفت نکرده بود، مردم نیز همچو سوالات را مورد بحث جدی قرار نمیدادند، ولیکن امروز این مسله به گونه دیگری (بشر دوستی) در جوامع بشری مطرح بوده، که انسان نمیتواند در برابر آن کاملاً بی تفاوت باقی بماند.

نسل جوان امروز میخواهند روی همچو موضوعات بحث و مطالعه بیشتر صورت گرفته، تا جواب قناعت بخش و کاملاً روشن دریافت نمایند.

در جوامع پیشرفته (غرب) از روی عاطفه و احساس بشر دوستی بعضی مردم اعضای بدن شانرا بعد وفات به رضایت خود بنام خیرات (صدقه) به اختیار شفاخانه های دولتی قرار میدهند، تا به مریضان مستحق که چشم در انتظار (عمل پیوند) میباشند، اهدا گردد.

البته در شفاخانه های غربی تا جاییکه دیده میشود، این صدقات بدون در نظر داشت رنگ پوست، دین و مذهب و غیره، یعنی بدون مزد و منت برای نجات جان مریضان با حسن نیت تمام در موقع (عاجل) مورد تطبیق و اجرا قرار میگیرد. و ناگفته نماند خوشبختانه بعضی از مریضان مستحق مسلمان نیز در کشور های (غربی) از این اهدایا و لطف بشر دوستانه مردم با احساس همچنان دیگران مستفید گردیده اند.

در خبری آمده است اینکه: زمانی در کشور استرالیا تصمیم بر آن شد، تا جهت نیازمندی های بیشتر مریضان محتاج به اعضای (پیوندی) و به خصوص (گرده) خواستند نخست از مردم در این مورد نظر خواهی نمایند که اگر شخصی به رضایت خود حاضر شود، یک گرده اش را از روی احتیاج اقتصادی در بدل پول به فروش رساند..

خوشبختانه اکثریت مردم اعتراض شانرا در برابر آن ابراز داشته، و علاوه نمودند: چنانکه فعلاً در کشور شان این عمل به نیت خیر و به اساس عاطفه بشری صورت میگیرد، ممکن در آنصورت از اهداف و مسیر اصل خود خارج گردیده، شکل تجارت (بزنس) را بخود بگیرد، که بعدها در میان مردم (ثروتمند و فقیر) فاصله و بی محبتی بیشتر ایجاد میگردد.

در کشور های نادار برعکس، مردم از روی فقر حاضر میشوند تا گرده های خود را بفروش رسانیده تا گذاره شان از نظر اقتصادی شده بتواند، البته مردم جهان از طریق بعضی از گذارشها و فلم های مستند از جریانات تا اندازه ای باخبر هستند. همچنان یک تعداد اشخاص بی خدا از طریق دزدی اطفال معصوم و فریب جوانان بیخبر، ظالمانه دست به (قاچاق انسانی) زده، تا بعد از قتل اعضای بدن شانرا بفروش رسانند.

در کشورهای اسلامی بصورت عموم اهدا (اعضای بدن) بعد از وفات، نظر به اعتقادات و رسوم مردم، که بعضی این عمل را سبب بی عزت شدن (میت) میدانند، زیاد رایج نمیشد.

طی سالیان اخیر و بی امنیتی در بعضی از کشور های جنگ زده اسلامی، قاچاقبران (انسان) این فرصت را پیدا نموده اند، تا به شکل ظالمانه و به انواع مختلف نیرنگها از وجود اطفال و جوانان مسلمان (بزنس) برای خود بسازند، و به خصوص در دو طرف سرحدات شرقی و غربی افغانستان یعنی دو کشور مسلمان، این همه جنایات بیشتر صورت میگیرد.

بحث درینجاست، که اگر یک مسلمان از راه صدقه و بشر دوستی در حق مریضان محتاج چه مسلمان باشد و یا غیر مسلمان، یعنی به خواست و اراده خود وصیت کند، تا از اعضای بدنش عمل پیوند صورت گیرد، آیا مانع شرعی وجود دارد.. و در حالیکه (غیر مسلمان) به مسلمان ننتها، گرده، جگر حتی قلب خود را بعد از مرگ اهدا میکند، آیا خداوند تعالی در برابر این عمل خیر آنها که برای نجات حیات یک انسان انجام میدهند، اجر و ثواب را نصیب شان خواهد گردانید..؟

در حقیقت خداوند تعالی برای عزت میت، قبر و طریق دفن کردن را با تمثیل دو پرنده به پسر آدم (ع) معرفی داشت، تا طعمه حیوانات درنده نگردند، و به همین نسبت سوختاندن میت برای مسلمانان جایز نمیشد.

پس اگر میت با کمبود اعضای بدن دفن گردد، در روز محشر که همه دو باره سر از زیر خاک بلند میکنند، چه واقع خواهد شد...؟

البته اینهمه سوالات و تشویش هایت که بعضی اوقات در میان مردم مسلمان و بخصوص نسل جوان مطرح شده و یک سلسله جار و جنجالها را نیز با خود همراه داشته است. امروز بکثرت از جوانان مسلمان به اراده خود، از اینکه والدین شانرا در جریان بگذارند، در موقع اخذ کارت دربوری (لایسنس)، از روی عاطفه و احساسات نیک بشری امضا میکنند، که اگر در حادثه یا اتفاقات دیگری جان به حق تسلیم نموده از بین رفتند.. از اعضای بدن شان برای عمل پیوند مریضان مستحق بصورت مجانی استفاد صورت گیرد. به همین ارتباط، مطلب را یاد آور میشویم که قبلا اتفاق افتیده است.

(یکی از جوانان مسلمان که فامیلش هم در جریان قرار داشت، غافل از روز حادثه، تصور هم نمیکردند که واقعه دلخراش ترفیکی به آن زودی جان فرزند شانرا بگیرد .

نظر به وصیت جوان، شفاخانه ها دست بکار شدند تا مریضان را که منتظر عمل پیوند بودند، آماده عمل جراحی گردانند.. متاسفانه در دقایق اخیر میان فامیل متوفی و دولت دعوی صورت گرفت، چون فامیل آن جوان ادعا داشت که چون ما مسلمان هستیم، اجازه نداریم تا این عمل جراحی صورت گیرد، زیرا کدام امام مسجد به آنها گفته بود، اگر اعضای بدن کمبود باشد، مانند (گرده و جگر) در روز آخرت انسان سر از قبر بلند نخواهد کرد، و اگر صرف کمبود دست و پای، گوش و بینی یا امثال آن باشد، به همان شکل و صورت دو باره زنده میگردند. به هر حال نظر به فیصله امام مسجد فامیلش اجازه یافت، تا جسد فرزند شانرا سلامت به خاک بسپارند، که درین صورت وصیت میت نادیده گرفته شد.

برای اینکه جاروجنجالها در آینده در میان مسلمانان و دولت روی این مسایل واقع نگردد، بایست همچو قضایا قبل از وقوع آن مورد بحث و گفتگوی اکثریت علما اسلامی جهان قرار گیرند، تا مردم مسلمان با قوانین محدود و نظریات مختلف، راه خود را در میان گم نکنند.

((یک زن جوان مسلمان البته با رضایت کامل خودش تصمیم گرفت، تا اعضای بدنش را بعد از مرگ به حساب (صدقه) جهت استفاد مریضان مستحق قرار دهد، همچنان علاوه نمود :

هرگاه برای خاله جوانم در ظرف کمتر از یکماه، دو مراتبه (جگر) پیوند نمیشد، چون نتیجه بار اول موفقانه نبود یعنی بار دوم اگر پیوند صورت نمیگرفت، البته زندگی اش را از دست داده بود . پس ما چرا این شهامت را نداشته و حاضر نباشیم، تا عمل خیر اگر در زندگی چندان به کسی نمیرسانیم، پس بعد از مرگ از صواب در امر خیر بی نصیب نباشیم.))

خوشبختانه همین زن جوان روی علاقه که به مطالعه کتاب آسمانی (قران) داشت، تا وظیفه ایمانی خود را از این طریق انجام داده باشد. قضیه که قبلا به آن اشاره گردید، یعنی جنجال فامیل متوفی و نظر امام مسجد، ناراحتی زیاد برایش ایجاد کرد، زیرا در مورد خود که قبلا درین باره تصمیم گرفته بود، نمیدانست چگونه اقدام نماید. در یکی از روزها با خوشحالی گفت :

خداوند تعالی را سپاسگذارم که نظر به دیانت قلبی بنده، راه حل و جواب را چه در خواب یا بیداری برای بنده اش پیدا میکند، تا در امر خیر از ناراحتی فکری و روانی نجات پیدا کند، حالا من دیگر از اینکه به اهدای اعضای بدن بعد از مرگ تصمیم گرفته ام پشیمان نیستم، زیرا خداوند تعالی از همان ماده اولی که ما را خلق نموده است در روز قیامت از همان عنصر بشری ما را هست و حیات دو باره میبخشد، و این مطلب را در آیات قران دریافتم که..

((وقتی ابراهیم (ع) از خداوند در مورد زندگی دوباره بعد از مرگ سوال نمود، خداوند به جواش میفرماید: که چهار پرنده از چهار نسل مختلف را کشته، گوشت همه آنها باهم مخلوط و چهار قسمت نموده، هر یک آنها در چهار سمت، یعنی دور از هم بالای بلندی بگذار، هر کدام شانرا بنام بخوان، دو باره زنده شده نزدت بر میگردند.))

واقعا اگر بیشتر دقت و تفکر روی آن صورت گیرد، خداوند تعالی به ابراهیم (ع) نگفت یک مرغ یا پرنده را کشته بالای بلندی بگذار، بنام بخوان تا دو باره از همان اجزای خودش به امر خداوند تکمیل و زنده شده به پرواز درآید.. تا جواب ابراهیم (ع) را داده باشد، و ما انسانها نیز در باره زندگی بعد از مرگ اطلاع حاصل نموده باشیم . چنانکه در قسمت عزیز پیغمبر نیز همین مثال آمده است ..

زمانیکه از دهکده ای گذشت و با خود گفت، چگونه خداوند تعالی این همه استخوانهای پوسیده را در روز قیامت جمع نموده و حیات دوباره میبخشد. خداوند قادر و توانا او را بمیراند و دوباره زنده گردانید، تا با همچو مثلها در برابر قدرت و حکمت ذات حق تعالی از آنروز (قیامت) انسانهای غافل را نیز باخبر ساخته باشد.

((پس حکمت خداوند تعالی از این مثال، چهار پرنده به جای یک پرنده چه بوده است...؟ که گوشت پوست و استخوانهای هر چهار مرغان را همه یکجا باهمدیگر مخلوط و (گوشت) آنها را در چهار طرف بالای بلندی گذاشته، بعد هر کدام را بنام خود صدا نموده، تا اینکه هریک بسوی ابراهیم (ع) به پرواز آمدند ((.

در قسمت اهدا اعضای بدن میت و حیات دوباره انسانها در روز قیامت نیز این مثال صدق میکند. یعنی اگر اعضای بدن یک انسان در بدن انسان دیگر قرار گیرد و از همدیگر به فاصله ها دور از هم واقع شده باشند، چنانکه امروز (گرده، جگر، چشم) از یک میت را به چندین مریض با عمل جراحی (پیوند) میکنند، که ممکن هر کدام از نسل های مختلف با همدیگر باشند، در روز آخرت خداوند تعالی هریک را به نام و حساب خودش در میدان محشر خوانده حاضر میسازد.

در برابر قدرت و اعظمت ذات پاک خداوند متعال همه چیز امکان پذیر بوده، چنانکه میفرماید :
(همانگونه که شما را از نطفه هست کردم، دوباره زنده کردن شما برای خداوند تعالی امر مشکل نیست.)
در حقیقت خداوند تعالی با دادن همچو مثالها از علم پیشرفته (تکنالوژی) امروز نیز بما خبر داده است، تا از آن به نفع بشریت و نجات حیات انسانها استفاده صورت گیرد مانند (پیوند اعضای بدن) که در گذشته وجود نداشت، و نه برای گرفتن جان مردم، با انواع اسلحه و بم های زهرآگین.

پس به این نتیجه میرسیم که اگر یک انسان در اثر انفجارات بم و راکت گوشت و استخوانهایش جدا جدا به هر سو پرتاب شده که امکان جمع کردن همه آن میسر هم نباشد، و یا در بحر غرق شده طعمه حیوانات بحری شده، و یا در دشت و بیابان از بین برود، در همه حال چون (عنصر بشری) انسان همیشه زنده باقی میماند، در روز محشر از همان عنصر حیات دوباره پیدا مینماید .

به امید توفیق و یاری خداوند